

نویسنده : سکات تایلور (Scott Tylor) ..

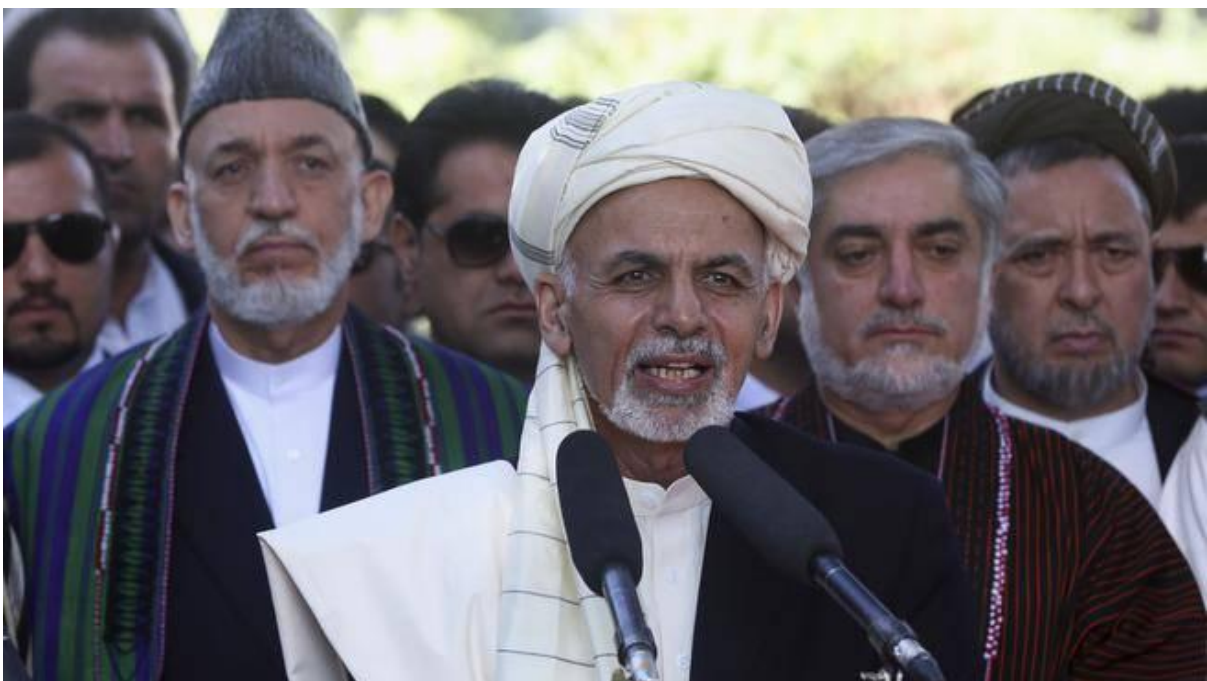
منبع و تاریخ نشر : کرونیک هیرالاد «5-10-2014».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**هدف:** افغانستان تا هنوز توسط جنگ سالاران  
ستیزه گر اداره میشود درحالیکه طالبان  
از شکست دوری میجویند .

On Target: Afghanistan still ruled by bickering  
warlords while Taliban eludes defeat

در چشم آنداز تمرکز یافته شده جهان اعمال وحشیا نه و خشونت با ر دولت افراطی  
اسلامی عراق و سوریه و نقش قدرت بین المللی در پیاده کردن ما نورسیا سیی در شرق  
اوکراین ، تحولات چشمگیر اخیر افغانستان را رسانه های غربی نه بشکل روش فشرده



اشرف غنی «احمد زی» رئیس جمهور افغانستان در وسط حین صحبت وادای نماز به مناسبت  
حلول عید سعید اضحی در قصر ریاست جمهوری و به سمت چپ او حامد کرزی رئیس جمهور فبلی  
افغانستان و دیگر شنوندگان و اشتراک کننده گان در کابل افغانستان بروزیکشنبه (مسعود حسینی /  
اسوشیتید پرس)

آیین توبه و بخشش در نشرات خویش جاداده از مراسم باشکوه رسمی افتتاحیه ای مبنی بر معرفی اشرف غنی «احمزی» بصفت ریس جمهور و همزمان با آن عبدالله «عبدالله» را به حیث ریس اجرایی یعنی اولین مقام در حکومت وحدت ملی که در کابل برگذار شده بود به نشر رسانیده اند، مراسمی که دستاورد اقدام جسورانه ای جان گیری وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا رادردهن تداعی میکند و او یعنی «جان گیری» این رویداد و مراسم افتتاحیه را به عنوان «پیروزی زمامداری و مصالحه» به مقامات زیربط تبریک گفته و شا د با ش های خود را به مناسبت اولین انتقال دموکراتیک قدرت و اولین انتقال رهبری صلح آمیز که بعد از (40) سال در تاریخ افغانستان بوقوع می پیوندد ابراز میدارد. لهذا از هر آن اقدامی که گیری وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا ادعا کرده بود در واقع درست از آب درآمد و همچو برگذاری محصول کار و فعالیت او بوده و ایجاب میکند که قدم آنرا نیک گرفته و به مناسبت آن همچو جشن باشکوه برگزار گردد. ولی بهر صورت با وجود بکار برد همچو واژه ای با بانگ رسا و شجاعانه باز هم بیانیه ای آقای جان گیری بعنوان «پیروزی زمامداری و مصالحه» بعد از «13» سال اشغال افغانستان توسط نیروهای بین المللی در بین مردم چندان چسپ و خریدار نداشت و آن اینکه هر گز دموکراسی در افغانستان پذیرا نگردید یا به عباره دیگر دموکراتها امریکا نخواستند که دموکراسی در افغانستان نهادینه شود و آن اینکه به رای مردم وقع نگذاشتندونه از آن احترام نمودند یعنی نقض دموکراسی توسط دموکراتان.

قابل یاددهانی است که دور اول انتخابات ریاست جمهور افغانستان در ماه اپریل گذشته رسماً برگزار شد که مردم بشکل بی سابقه در آن اشتراک ورزیدند و رای خود را به کاندید مورد نظر خود بکار بردند ولی متعاقباً تعداد از مقامات ذیدخل در این انتخابات، بر این انتخابات اتهام تقلب زدند و بعد از مدت زمانی که گرد و غبار تقلب فروکش نمود نتیجه انتخابات اعلام گردید که در آن نه اشرف غنی «احمد زی» و نه هم عبدالله «عبدالله» نتوانستند رای اکثریت ضروری مردم را به غرض احراز چوکی ریاست جمهوری افغانستان از آن خود کنند. بناً انتخابات به دور دوم یعنی به «14» ماه جون موکول شد که با وجود اشتراک وسیع مردم نتایج دور دوم انتخابات به مردم که مدت طولانی انتظار آن را می کشیدند با وجود تپ و تلاش مذبحانه ای ایالات متحده امریکا در رابطه به جور آمد بین دو کاندید ریاست جمهوری طی مذاکرات طولانی پشت پرده اعلام نگردید و آنطوریکه اشکار شد عبدالله «عبدالله» با ادعای رهبری قوم تاجک دور دوم انتخابات را پایان شده دانسته و آن را نه پذیرفت و او خود را برنده انتخابات اعلام نمود که همچو حرکات به یقین باعث خصومت و درگیری بین طرفین درگیر گردید که خود نمونه ای از یک وحدت شکن در تقابل با طالبان میتواند باشد.

ایالات متحده امریکا برای جلب رضایت عبدالله «عبدالله» موقوف و یا موقیعت تحت

عنوان ریس اجرایی در حکومت وحدت ملی را طی یک رویا بیرون آورد که او یعنی عبدالله این مقام را در حکومت وحدت ملی پُر نماید ولی داکتر عبدالله از مفهوم و توضیح این موقف جدید چنین برداشت کرد که ریس جمهور منتخب هر زما نیکه خواسته باشد میتواند این مقام را از تشکیل حکومت حذف نماید ، لذا او بصورت زیرکانه و ماهرانه به امریکایی ها مبنی بر عدم پذیرش این مقام چنین گفت : «انگشت بد» یعنی به مفهوم نه ! بلکه او مجدداً باتهدید رو بجلو اقدام به ترک پروسه انتخابات نمود و بیم آن میرفت که با همچو برخورد او جنگ داخلی در کشور شعله ور گردد.

بهر صورت بعد از جروبخت ها طولانی و معامله گریها در عقب درهای بسته با پا در میانی جان کیری وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا ، به عبدالله چنین احساس رخداد که این مقام اجرایی ممکن بحد کافی ضامن امنیت و اقتدار کامل او گردد و برای آرامش وجدان اش یک هدیه ای خواهد بود . و در عین زمان بین طرفین چنین فیصله بعمل آمد که نتایج رای شماری از طریق رسانه ها نباید اعلام شود یعنی نباید به آگاهی مردم رسانیده شود .

لذا آنچه را که «جان کیری» وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا بعنوان «انتقال دموکراتیک قدرت» و «انتقال رهبری صلح آمیز» توصیف و تعریف مینماید بجز از یک روکش و ملعمه کاری چیزی دیگری نمیتواند باشد و آن اینکه رای مردم را بی اهمیت پنداشتن و با تهدید آغاز به جنگ و یا اعلان یک حکومت موازی توسط یک کاندید ریاست جمهوری حاضر به آوردن تغییر در قانون اساسی بخاطر ایجا دپست ریاست اجرایی در حکومت وحدت ملی را به جز از یک چرخش جهنمی چیزی دیگری نمیتوان پنداشت حتی برای وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا .

دستاورد دیگر این روند دموکراتیک چنین است که یک جنگ سالاربد نام یعنی آقای عبدالرشید «دوستم» که اکنون به صفت معاون اول ریاست جمهوری حکومت وحدت ملی احراز مقام نموده است و آنهم برای آنکه اشرف غنی «احمدزی» رهبر پشتون ها به کمک او توانسته باشد در شمال افغانستان در مقابل کاندید حریف خود رای بیشتر مردم و بویژه از یک ها را از آن خود سازد به دوستی و همدلی جنرال عبدالرشید «دوستم» نیاز مبرم داشت که این خود در واقع امر نماینده گی از چند دسته بودن فومی و قبیلوی در افغانستان می نماید و آن به این مفهوم که در افغانستان به نهادینه شدن دموکراسی هنوز شرایط مساعد در دست نمی باشد .

من سه بار بصورت جداگانه با جنرال عبدالرشید «دوستم» مصاحبه نموده ام دو مرتبه در مقر و منزل شخصی اش واقع در شهر شبرغان و یک بار در عمارت مجلل اش واقع در شهر کابل. نقطه قابل یاد آوری اینست که «دوستم» با وجودی که سمت ریس ارکان اردوی ملی افغانستان را رسماً در اختیار داشت یعنی به همین مقام از طرف مقام رهبری دولت گماشته شده بود ولی او همیشه یک لشکر مجهز ملیشایی مربوط

بخودش راداشت ، او یعنی عبدالرشید «دوستم» از دوران اشغال افغانستان طی سال (1977) توسط قوت‌های اتحاد جماهیر شوروی یکی از مقتدرترین جنگ سالار ویکی از وفادارترین شخص در قول و قرار خود ویکی از بیرحمترین کس در مقابل دشمنان خود میباشد.

بهر صورت هنگامیکه من بعد از اولین مصاحبه ام با او یعنی با «دوستم» در ماه می سال «2007» بکابل بازگشتم باشماره‌ی از ناظران بین المللی دیدوبازدید نمودم و موضوع قابل تذکر اینکه اکثریت این ناظران بین المللی با تعجب و شگفت زده میخواستند بدانند که من به راستی با «دوستم» در منزل شخصی اش مصاحبه نموده ام و از احوال صحتمندی او و اندازه ملیشای او اطلاعاتی در دست دارم ، ولی آنچه در اینجا قابل تذکر میدانم آن اینست که دستاورد های من در مصاحبه با آقای «دوستم» از آنچه که کریس الکساندر (Chris Alexander) سابق سفیر کانادا و بعداً کارمند و مامور سازمان ملل متحد در کابل از «جنرال دوستم» داشت از هم کاملاً متفاوت بود.

از زمانیکه جوانی چون الکساندر ، جوانترین ، پرانرژی ترین و اولین سفیر و نماینده کانادا تا کنون در افغانستان معرفی شده است او یکی از خوشبینانه ترین و مشوقترین رهبر و حامی از مداخله بین المللی میباشد ، یعنی که او مداخله بین المللی را در حل قضا یا میخواهد با تذکرات این مطلب میخواهم اظهارنمایم و آن اینکه با شناختی که از الکساندر داشتم او مرا واداشت تا اگر بتوانم با قبول زحمت بیشتر بدان نایل آیم که با عبدالرشید «دوستم» از نزدیک ببینم و یا با وی ملاقات نمایم و از تداوم اسطوره ای که جنرال دوستم جنگ سالار قدیمی تا همین اکنون از توان و قدرت سرشار و ثابت در افغانستان برخوردار است چیزی بدانم از افغانستان «نوین» که توسط او و همکاران اش بوجود آمده است .

در نهایت امر باید اذعان کرد که «خود توهمی» یک واقیعت خطرناک میتواند باشد در حالیکه الکساندر دارای یک دید و چشم انداز مترقی و آقای جان کیری دید دموکراتیک دارد ، ولی بهر صورت هر آنچه که من از مشاهداتم بدست آوردم اینست که افغانستان تا هنوز توسط جنگ سالاران ستیزه گر اداره میشود در حالیکه طالبان با بدست آوردها و برخی موفقیت های خود شکست را نمی پذیرند .

-----  
با تقدیم احترامات .

